

# الهیات عهد چیست و آیا کتاب مقدسی است؟



الهیات عهد را نمی توان به گونه ای که مجموعه ای نظام مند از تعالیم باشد را یک "الهیات" نامید ، بلکه ساختاری برای تفسیر کتاب مقدس است. الهیات عهد معمولاً در مقابل ساختار تفسیری دیگری از کتاب مقدس به نام "الهیات دیسپنسیشنالی (Dispensational)" یا "دیسپنسیشنالیسم" (Dispensationalism) قرار می گیرد. دیسپنسیشنالیسم در حال حاضر پرتعدادترین شیوه تفسیری کتاب مقدس در میان انجیلی های آمریکا است، و از نیمه دوم قرن نوزدهم تا قرن بیست و یکم این چنین بوده است. اما، الهیات عهد از زمان اصلاحات در میان پروتستان ها در اکثریت بوده است. و این سیستم، مورد علاقه کسانی است که بیشتر تمایل کالوینیسم یا اصلاح گرایی دارند.

دیسپنسیشنالیسم اینطور به کتاب مقدس می نگرد که کتاب مقدس در مجموعه ای از هفت "دوره" (Dispensation) اتفاق می افتد (یک دوره می تواند به عنوان شیوه خاصی که خدا بکار می گیرد تا با انسان و خلقت در طول یک دوره مفروض در تاریخ نجات بخشی بپردازد، تعریف شود). اما الهیات عهد از طریق ساختار عهد به کتاب مقدس نگاه می کند. الهیات عهد دو عهد برجسته و مهم را تعریف می کند: عهد اعمال و عهد لطف. گاهی اوقات عهد سوم نیز ذکر می شود که به نام عهد رهایی است که

منطقاً مقدم بر دو عهد دیگر است. ما این عهد را به نوبت بحث خواهیم کرد. مهمترین چیزی که باید در ذهن داشته باشیم این است که عهد های مختلفی که در کتاب مقدس آمده است (عهدهایی که با نوح، ابراهیم، موسی، داود و عهد جدید بسته شد) یا جزء عهد اعمال محسوب می شوند و یا عهد لطف.

ابتدا به بررسی عهدهای گوناگونی که در الهیات عهد آمده پردازیم و با عهد رهایی آغاز کنیم که مقدم بر دو عهد دیگر است. مطابق با الهیات عهد، عهد رهایی عهدی است که میان سه شخص تثلیث برای گزینش، کفاره، و نجات گروه منتخبی از افراد برای نجات و حیات ابدی بسته شد. یک عالم خداشناس و شبان معروف گفته است، در عهد رهایی، "پدر عروسی را برای پسر انتخاب می کند." هر چند که عهد رهایی به صراحت در کتاب مقدس بیان نشده است، اما کتاب مقدس به صراحت ماهیت ازلی نقشه نجات را بیان می دارد (افسیان فصل ۱ آیه های ۳ تا ۱۴، فصل ۳ آیه ۱۱؛ دوم تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۱۳؛ دوم تیموتائوس فصل ۱ آیه ۹؛ یعقوب فصل ۲ آیه ۵؛ اول پطرس فصل ۱ آیه ۲). علاوه بر این، عیسی اغلب وظیفه اش را انجام اراده پدر بیان می دارد (یوحنا فصل ۵ آیه ۳، ۴۳؛ فصل ۶ آیه های ۲۸ تا ۴۰؛ فصل ۱۷ آیه های ۴ تا ۱۲). شکی در این نیست که هدف خدا، نجات برگزیدگان از همان آغاز آفرینش بوده است؛ عهد رهایی صرفاً این نقشه ازلی را به زبان عهد، فرمول بندی می کند.

از دید تاریخ نجات بخشی، عهد اعمال اولین عهدی است که ما در کتاب مقدس می بینیم. زمانی که خدا انسان را آفرید، او را در باغ عدن گذاشت و به او یک فرمان ساده داد: "و به او گفت: «از همه میوه های درختان باغ بخور، بجز میوه درخت شناخت نیک و بد، زیرا اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش خواهی مرد»" (پیدایش فصل ۲ آیه های ۱۶ تا ۱۷). ما می توانیم زبان عهد گونه را که در این فرمان اشاره شده است ببینیم. خدا آدم را در باغ مستقر کرد و حیات جاودان را مادامیکه مطیع فرامین خداست به او و نسلهای آینده اش وعده داد. زندگی، پاداش اطاعت بود و مرگ، مجازات نافرمانی. این زبان عهد است.

برخی از محققین در عهد اعمال شکلی از عهد ارباب-رعیتی می بینند. در این گونه عهدها، ارباب (مثلاً پادشاه یا فرمانروا) شروط عهد را به رعیت (فرمانبردار) ارائه می کند. ارباب در مقابل ستایش شدن از سوی رعیت، به او برکت می دهد و از او حمایت می کند. در مورد عهد اعمال، در عوض اطاعت انسان از شروط عهد (از میوه درخت ممنوع)، خدا (ارباب) وعده زندگی جاودان و برکت به بشر می دهد (آدم نمایانگر رعیت و به عنوان سر نسل بشر است). ما ساختار مشابهی را در ارائه عهد قدیم از طریق موسی به قوم اسرائیل می بینیم. اسرائیل عهدی با خدا در سینا بست. خدا در عوض اطاعت قوم اسرائیل به شروط عهد، سرزمین موعود (سرزمینی که شیر و عسل از آن جاری است) را به آنها خواهد داد و برکت، حفاظت و حمایت خدا در برابر تمامی دشمنان با قوم خواهد بود. مجازات تخلف از عهد، تبعید از سرزمین بود (که در سقوط پادشاهی شمالی در سال ۷۲۲ پیش از میلاد و پادشاهی جنوبی در سال ۵۸۶ پیش از میلاد رخ داد).

هنگامی که آدم در نگاه داشتن "عهد اعمال" کوتاهی کرد، خدا عهد سومی را به نام عهد لطف برقرار داشت. خدا در عهد لطف به طور رایگان زندگی جاودان و نجات را از طریق ایمان به عیسی مسیح به گناهکاران پیشکش کرد. ما تدارک عهد لطف را درست پس از سقوط آدم می بینیم آن هنگام که خدا درباره "ذریه زن" در پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵ پیشگویی کرد. در حالیکه عهد اعمال، مشروط است و برکت را به عوض اطاعت و لعنت را به عوض نافرمانی وعده می دهد، عهد لطف غیر شرطی است و به

طور رایگان بر مبنای لطف خدا داده می شود. عهد لطف شکل عهدنامه های اعطای اراضی باستان را به خود می گیرد که در آن، پادشاه سرزمین را به عنوان هدیه به دریافت کننده آن می بخشد و هیچ شروطی به آن ضمیمه نمی شود. ممکن است فردی بگوید که ایمان، شرط عهد لطف است. سفارش های جدی بسیاری در کتاب مقدس وجود دارد که دریافت کنندگان لطف غیر شرطی خدا باید تا آخر وفادار بمانند، پس در معنای واقعی، نگاه داشتن ایمان شرط عهد لطف است. اما کتاب مقدس به روشنی تعلیم می دهد که حتی ایمان نجات بخش، یک هدیه لطف از سوی خداست (افسیان فصل ۲ آیه های ۸ تا ۹).

ما عهد لطف را می بینیم که در عهدهای غیر شرطی مختلفی که خدا با افراد در کتاب مقدس می بندد آشکار شده است. عهدی که خدا با ابراهیم می بندد (که خدایش باشد و ابراهیم و نسلهای او قوم او باشند) ارائه ای از عهد لطف است. سرانجام، عهد جدید جلوه نهایی عهد لطف است که خدا قوانینش را بر قلبهایمان می نویسد و کاملاً گناهانمان را می بخشد. هنگامی که به این عهدهای مختلف در عهد قدیم نگاه می کنیم یک چیز باید آشکار شود و اینکه همه این عهدها در عیسی مسیح محقق و کامل می شوند. وعده ای که خدا به ابراهیم داد که تمام امتها را برکت دهد در عیسی مسیح محقق شد. پادشاهی از نسل داوود که تا ابد بر قوم خدا فرمانروایی خواهد کرد نیز در مسیح محقق شد، و عهد جدید به روشنی در مسیح محقق شد. حتی در عهد قدیم اشاراتی از عهد لطف وجود دارد چرا که تمامی قربانی های عهد عتیق و تشریفات مذهبی به کار نجات بخش مسیح، کاهن اعظم ما اشاره دارد (عبرانیان فصل های ۸ تا ۱۰). به همین دلیل است که عیسی در موعظه بالای کوه می تواند بگوید که نیامده که شریعت را نسخ و باطل کند، بلکه تا آن را به تحقق برساند (متی فصل ۵ آیه ۱۷).

در ضمن می بینیم که عهد لطف در عهد قدیم در کار است وقتی که خدا قومش را از داوری شدن که به خاطر گناه مکررشان مستحقش هستند می رهاوند. با وجود اینکه شروط عهد موسی (کاربردی از عهد اعمال) داوری خدا را برای اسرائیل به خاطر نا فرمانی وعده داده است، خدا صبورانه با قوم زیر عهد خود رفتار می کند. این موضوع معمولاً با این عبارت همراه می شود "خدا عهدی را که با ابراهیم بست به یاد آورد" (دوم پادشاهان فصل ۱۳ آیه ۲۳؛ مزامیر فصل ۱۰.۵؛ اشعیا فصل ۲۹ آیه ۲۲، فصل ۴۱ آیه ۸)؛ وعده خدا در محقق کردن عهد لطف (که بنا به تعریفش، عهدی یکطرفه است) اغلب اوقات حق او در به اجرا درآوردن عهد اعمال را لغو می کند و بر آن برتری می باید.

این شرحی مختصر از الهیات عهد بود و اینکه چطور کتاب مقدس را از عدسی عهد تفسیر می کند. سوالی که گاهی اوقات در خصوص الهیات عهد مطرح می شود این است که آیا عهد لطف، جای عهد اعمال را می گیرد؟ به عبارت دیگر، از آنجا که عهد قدیم از کار افتاده است، آیا عهد اعمال نیز از کار افتاده است (عبرانیان فصل ۸ آیه ۱۳)؟ عهد قدیم (عهد موسی) هر چند که کاربردی از عهد اعمال است، اما خود عهد اعمال نیست. عهد اعمال به عدن بر می گردد زمانی که خدا زندگی را به عوض اطاعت و مرگ را به عوض نا فرمانی وعده داد. عهد اعمال بعداً در ده فرمان بسط یافت، و در آن خدا دوباره وعده زندگی و برکت را به عوض اطاعت و مرگ و مجازات را به عوض نا فرمانی وعده می دهد. عهد قدیم چیزی بیش از صرفاً اصول اخلاقی است که در ده فرمان تدوین شده است. عهد قدیم شامل قوانین و مقررات در خصوص پرستش خدا می شود. همچنین شامل قانون مدنی می شود که بر قوم اسرائیل در طول نظام دین سالار و نظام پادشاهی حکمرانی می کرد. با آمدن عیسی مسیح، همان مسیح موعود عهد قدیم، بسیاری از جنبه های عهد قدیم از کار افتاده شد چرا که عیسی ابعاد مختلف عهد قدیم را به انجام

رسانید (دوباره نگاه کنید به عبرانیان فصل های ۸ تا ۱۰). عهد قدیم “پیش طرح و سایه ای از آینده” را نشان می داد، در حالیکه مسیح “واقعیت و اصل” را نشان می دهد (کولسیان فصل ۲ آیه ۱۷). پس مسیح آمد تا شریعت را به تمام کند و به سرانجام برساند (متی فصل ۵ آیه ۱۷). همانطور که پولس می گوید، “اوست که تمام وعده های خدا را، هر چند که بسیار باشند، عملی می سازد، و ما نیز همه جا اعلام کرده ایم که او چقدر نسبت به وعده هایش امین و وفادار است، تا او جلال یابد” (دوم قرنتیان فصل ۱ آیه ۲۰).

اما این عهد اعمال را که در شریعت اخلاقی تدوین شده است منسوخ نمی کند. خدا در عهد قدیم، قدوسیت را از قوم خود مطالبه می کند (لاویان فصل ۱۱ آیه ۴۴) و هنوز در عهد جدید قدوسیت را از قوم خود می طلبد (اول پطرس فصل ۱ آیه ۱۶). به همین منوال، ما هنوز ملزم هستیم که شروط عهد اعمال را به انجام برسانیم. خبر خوش این است که عیسی مسیح، آدم آخر و سر عهد ما، به طور کامل مطالبات عهد اعمال را به انجام رسانید و آن عدالت کامل دلیل آن است که چرا می تواند عهد لطفش را به برگزیدگان امتداد و بسط دهد. رومیان فصل ۵ آیه های ۱۲ تا ۲۱ وضعیت بین دو “سر” نسل بشر را تشریح می کند. آدم نماینده نسل بشر در باغ عدن بود و در نگهداشتن عهد اعمال شکست خورد، و به همین دلیل، او و نسلهای آینده او در گناه و مرگ فرو رفتند. عیسی مسیح به عنوان نماینده انسان می ایستد، از وسوسه اش در بیابان تا مرگ روی صلیب، و کاملاً عهد اعمال را به انجام می رساند. به این دلیل است که پولس می تواند بگوید “زیرا همان گونه که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد” (اول قرنتیان فصل ۱۵ آیه ۲۲).

در پایان باید گفت که الهیات عهد، کتاب مقدس را یا نمایانگر عهد اعمال و یا نمایانگر عهد لطف است. داستان کامل “تاریخ نجات بخش” می تواند بدین شکل دیده شود که خدا عهد لطفش را از مراحل آغازش (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵) تا به تحقق رسیدنش بوسیله عیسی مسیح آشکار می سازد. از اینرو الهیات عهد، روشی کاملاً مسیح محور در نگاه کردن به کتاب مقدس است چرا که عهد عتیق را به عنوان وعده آمدن مسیح می بیند و عهد جدید را به عنوان تحقق عهد در مسیح نگاه می کند. برخی از افراد الهیات عهد را متهم کرده اند که “الهیات جایگزینی” را تعلیم می دهد (یعنی کلیسا جایگزین اسرائیل می شود). این اصلاً حقیقت ندارد. برخلاف دیسپنسیشنالیسم، الهیات عهد تمایز آشکاری را بین اسرائیل و کلیسا قائل نمی شود. اسرائیل، قوم خدا را در عهد قدیم تشکیل می داد، و کلیسا (متشکل از یهود و امتها) قوم خدا را در عهد جدید تشکیل می دهد؛ هر دوی اینها تنها یک قوم خدا را تشکیل می دهند (افسسیان فصل ۲ آیه های ۱۱ تا ۲۰). کلیسا جایگزین اسرائیل نمی شود؛ کلیسا اسرائیل است و اسرائیل کلیساست (غلاطیان فصل ۶ آیه ۱۶). همه مردمی که ایمان ابراهیمی را بکار می بندند، بخشی از قوم عهدی خدا هستند (غلاطیان فصل ۳ آیه های ۲۵ تا ۲۹).

نکات بسیار بیشتری باید در خصوص الهیات عهد گفته شود، اما چیز مهمی که باید در ذهن داشته باشیم این است که الهیات عهد، ساختاری تفسیری برای درک کتاب مقدس است. همانطور که دیده ایم، الهیات عهد تنها روش تفسیری برای خواندن کتاب مقدس نیست. الهیات عهد و الهیات دیسپنسیشنالیسم تفاوت های زیادی دارند و گاهی اوقات به نتیجه گیری های متضادی در خصوص تعالیم ثانویه می رسند، اما هر دو از اصول اساسی ایمان مسیحی تبعیت می کنند: نجات تنها بواسطه لطف، و تنها از طریق ایمان و تنها در مسیح امکان پذیر است و تنها بر خدا جلال باد!